

✦ روایت

قصد خفیف کردن «شاهنامه» فردوسی را داشتند!

واکنش‌های دیگر به هدف فرح دیبا و برگزاری «جشن هنر شیراز»

در سال‌های اخیر برخی شبکه‌ها و سایت‌های معاند به این تکاپو افتاده‌اند که خاندان پهلوی و به‌ویژه فرح را شیفته فرهنگ و هنر ایرانی نشان بدهند. به عنوان مثال به برگزاری جشن‌های هنر شیراز اشاره می‌کنند یا راه‌اندازی موزه هنرهای مدرن توسط فرح دیبا. اما کسانی که به این موضوعات اشاره می‌کنند، ناآگاهانه یا به قصد و تعمد، تصمیم بر حذف بخش‌هایی از تاریخ معاصر گرفته‌اند. چراکه یا واکنش‌های افشار مختلف اعم از روزنامه‌نگار، نزدیکان دربار، متفکران، روحانیون و… را نادیده می‌گیرند یا اصولاً نمی‌خواهند اسناد را بازخوانی کنند. فرح مدعی ارائه و عرضه هنرهای اصیل و معاصر بود ولی در همین جشنی که برپا می‌کرد، از هنرمندان غربی برای ترویج فرهنگ خودشان دعوت کرده بود که باعث واکنش هنرمندان و متفکران داخلی شد. حتی فرخ غفاری (قائم مقام فرح) نیز علناً عنوان کرد: «جشن هنر با برنامه‌های کلاسیک کاری ندارد و دیگر به عقب بر نخواهد گشت. آنچه خواهیم دید از دنیای مدرن خواهد بود!» در ادامه برخی واکنش‌ها و اظهارنظرها را بخوانید چراکه به‌وضوح نشان می‌دهد نه فرح دنبال هنر اصیل ایرانی بود و نه مدنرئزه کردن باور مردم، حلال مشکلات!

تولیدکننده‌نفت، واردکننده‌هنر غربی!

واکنش نماینده‌وقت ایران در سازمان ملل

فریدون هویدا (نماینده ایران در سازمان ملل تا سال ۵۷ و برادر امیرعباس هویدا) در کتاب «سقوط شاه» می‌نویسد: «آندره فرمیژه (منتقد) با اشاره به موزه هنرهای مدرن که توسط شهبانودر سال ۱۹۷۷(۱۳۵۶شمسی) به‌مدیریت پسرعمویش ایجاد شد، نوشت: «بهتر بود به جای دنباله‌روی از غربی‌ها—که از آینده فرهنگ خود نومید هستند و همه افتخارات‌شان را در ارائه کارت پستال‌های آثار گذشته خلاصه کرده‌اند —بعضی کشورها به فکر بهره‌برداری از میراث هنری خود می‌افتادند و قبل از اقدام به تقلید از دیگران، جست‌وجو می‌کردند تا ببینند خود برای ارائه آثار هنری چه در چنته دارند. اینکه کشورهای تولیدکننده نفت، واردکننده بزرگ آثار هنری می‌شوند، بدون شک برای برخی گالری‌ها موهبت است اما برای نقاشی ایرانی بهتر نخواهد بود.»

سفره‌ای برای هنرپیشه‌های دست‌دوم خارجی

واکنش رئیس‌وقت سازمان برنامه‌و بودجه

ابوالحسن ابتهاج، رئیس وقت بانک ملی و سازمان برنامه و بودجه محمدرضا پهلوی، دقیق‌ترین توصیف را از جشن هنر شیراز دارد: «جشن هنر شیراز در واقع چیزی جز ارائه مبتذل‌ترین جوانب فرهنگ غرب و اجرای نمایش‌های مهمل و بی‌بندوبار و در مواردی قبیح توسط هنرپیشه‌های دست‌دوم خارجی، آن‌هم در ماه‌رمضان و اجرای موسیقی ناشناخته، بی‌سروته و ناهنجار خارجی بر سر قبر حافظ نبود. این برنامه و برنامه‌های نظیر آن مانند دایر کردن قمارخانه در جزیره کیش با سوءاستفاده از درآمد‌های آستان قدس رضوی و… پله‌هایی بودند برای رسیدن به دره‌های تمدن بزرگ تمدنی که شاه‌نویز آن را به مردم ایران داده بود.»

جشنواره‌های محکوم به‌شکست

واکنش مهرداد بهار، پژوهشگر واسطوره‌شناس

جلال ستاری (اسطوره‌شناس) در کتاب «در بی‌دولتی فرهنگ» به نقل از مهرداد بهار (فرزند ملک‌الشعرای بهار، استاد دانشگاه، باستان‌پژوه و مؤلف و محقق ادبی) می‌گوید: «من استنباط‌مراجع به جشنواره‌ها این است که هدف جشنواره، در برگرفتن هرچه بیشتر مردم است. این جشنواره‌ها باید بتوانند توده مردم را به خود جلب کنند. ولی، فکر می‌کنم این جشنواره‌ها، متاسفانه، نمی‌توانند این هدف را برآورده کنند. علتش هم این است که مسائلی که در این جشنواره‌ها مطرح می‌شود، واقعا مسائلی نیست که مردم با آنها آشنایی نزدیک داشته باشند؛ شاید بتوان گفت که مردم به نحوی با آنها بیگانه‌اند. و به این علت این جشنواره‌ها نمی‌توانند در توده مردم نفوذ کنند. بنابراین من فکر می‌کنم هدف اصلی که در این جشنواره‌ها هست، محکوم به شکست است. درست به این علت که ما پایه‌های فرهنگی لازمش را در میان مردم از بین برده‌ایم و پایه‌های جدیدی هم که مناسب زندگی روزانه باشد، در مردم ایجاد نکرده‌ایم. بنابراین، این جشنواره‌ها محکوم به شکست‌اند.»

تمسخر رستم و سهراب!

واکنش ساواک

در این برنامه‌ها نه تنها مسایل عرفی و مذهبی چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت بلکه مسایل ملی نیز در راستای رواج ستنن غربی مورد بی‌توجهی بود. در یکی از اسناد ساواک درباره نمایش «رستم و سهراب» که در جشن‌های هنر شیراز اجرا شد آمده: «نمایش رستم و سهراب در جشن هنر شیر از وسیله هنرمندان و همچنین بخش آن از تلویزیون موجب خشم و نفرت عمومی وتمام طبقات مر دم شده و در هر محفل و مجلس که از این موضوع بحث می‌شد. اکثر ا اظهار می‌کردند که منظور از بر گزرای این جشن، محو تصعبات ملی و کشتن غرور و ملیت ایران است که مردم به سن غرب و اروپا عادت کنند و نیز اظهار می‌کردند که بر گزرای موسیقی در محل‌های موقوفه مانند سرای شیر و بالای کوه هنتان که از مکانهای متر که و موقوفه است، لجبازی با متدینین و برخلاف رسم و اصول مذهب است. غالباً می‌گویند… قصد خفیف کردن شاهنامه را داشته‌اند. بزرگ‌ترین سنن و حماسه ایران را به صورت (پهلوان کچک) و عروسک‌بازی در آورده‌اند… از طرف دیگر موسیقی اشتکهاوزن را مر دم‌جانی دیده و صداهای عجیب و غریب (در این موسیقی) را که شنیده‌اند می‌گویند آلمان‌ها می‌خواستند مردم را به تمسخر بگیرند.»

اعمال جنسی مقابل چشمان کودکان زنان!

واکنش خبزن‌گار روزنامه «کیهان»

پرسرودا ترین جنجال تاریخ جشن‌های هنر، نمایش تئاتر «خوک، بچه، آتش»

در دوره یازدهم جشن‌های هنر شیراز بود که خبزن‌گار روزنامه «کیهان» درباره آن نوشت: «محتوای پوچ و بی‌معنی و نیز بازسازی کثیف اعمال جنسی… تاسف‌بار این است که این نمایشنامه بی‌بدیل، برخلاف غالب برنامه‌های جشن هنر که مختص خاص است، در پیاده‌روی خیابان فردوسی شیراز و در مقابل چشمان حیرت‌زده کودکان و زنان سالخورده و جوان اجرا می‌شود… به دنبال نخستین اجرا و عرضه آن حرکات شنیع و تکان دهنده در مقابل چشمان مردمی که غافلگیر شده‌اند، انتظار می‌رفت که مسئولان از ادامه نمایش جلوگیری به عمل آورند.» اشاره او به نمایش «خوک، بچه، آتش» است که از سوی گروهی مجارستانی به نام «اسکوات» اجرا شد. این نمایش به شکل غیرقابل باوری برهنگی را در معرض عموم به نمایش گذاشت و احساسات عمومی را جریحه‌دار کرد. این نمایش در دو صحنه اجرا شد: نیمی از آن در پیاده‌رو خیابان و نیمی دیگر در داخل مغازه‌ای شیشه‌ای. در یکی از صحنه‌های این نمایش، عمل جنسی مرد با زن چندین بار به اجرا درآمد و از تلویزیون مدار بسته نیز برای تماشاگران پیاده‌رو به نمایش گذاشته شد.



روزنامه‌نگار انگلیسی:



«جشن هنر شیراز»، هتک ناموس تمام عیار

ع روایت‌هایی درباره هزینه‌های گزاف و ترویج برهنگی و اعمال جنسی در «جشن هنر شیراز»

✎ **شهمرد**] آنچه به نام «جشن هنر شیراز» در دوره پهلوی معروف است، مجموعه جشن‌هایی بود که پایان شهریورماه ۱۳۴۶ در شیراز برگزار شد و تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت. این جشنواره در طول ۱۰ سال برگزاری (پایان تابستان هر سال)، در مجموع تا دوره یازدهم ادامه داشت. در واقع ایده «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله» که در سال ۱۳۵۰ برگزار شد، از دل همین مجموعه جشن‌های هنر شیراز بیرون آمد. برای برگزاری این جشن‌ها هم سازمانی به نام «سازمان جشن هنر شیراز» به ریاست فرح دیبا تشکیل شد که فرخ غفاری (کارگردان و سینماگر) مدیریت آن را به عهده داشت. هیأت امنای سازمان اما جمعیتی بودند بالغ بر ۳۳ نفر شخصیت حقیقی و حقوقی که از جمله برخی چهره‌های آن می‌توان به امیرعباس هویدا، اسدالله اعلم، اردشیر زاهدی، فریدون هویدا، رییس ساواک و… اشاره کرد. در هر حال نخستین شب جشن هنر شیراز در روزهای پایانی شهریورماه سال ۱۳۴۶ با حضور ۲۰۰۰ نفر از مدعوین، در تخت جمشید برگزار شد؛ جشنواره‌ای که از همان سال اول با انتقادهای مختلف همراه بود و سرآخر هم به جنجال کشید و تعطیل شد؛ به‌ویژه که در سال پایانی (شهریور ۱۳۵۶) با ماه رمضان تلافی پیدا کرد و اعتراض‌ها را به اوج رساند. این مخالفت‌ها، دلایل مختلف داشت. دلیل اول، پرده‌دری، هتاکی و نمایش اعمال منافی عفت عمومی در جامعه مذهبی شیراز و در مقابل دیدگان مردم بود. دلیل دیگر، صرف بودجه‌های کلان برای جشن‌هایی به‌ظاهر هنری بود که با تاریخ و فرهنگ ایرانی-اسلامی تناسبی نداشت؛ به‌ویژه که هدف از برگزاری تئاترها و نمایش‌های جنسی، عادی‌سازی بی‌بندوباری رایج در فرهنگ غربی در جامعه مذهبی ایران بود. در گزارش پیش رو نیز ابتدا به هزینه هنگفت این جشن‌ها در روایت‌های مختلف پرداخته‌ایم و پس از آن، سراغ روایت‌هایی رفته‌ایم درباره بعضی از نمایش‌های این جشن‌ها که هدف‌شان ترویج عربانی و عادی‌سازی روابط باز جنسی بود. این روایت‌ها مستند هستند به مقالات و گزارش‌های پایگاه‌های مجازی «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، «تاریخ ایرانی» و کتاب «غرور و سقوط» (خاطرات آنتونی پارسونز، سفیر سابق انگلیس در ایران) خبزرگاری «مشرق». همچنین از منابع دیگری نیز استفاده شده که طی گزارش به آن‌ها ارجاع داده‌ایم.

جشن در شهری مبتلا به بی‌آبی!

به‌روایت اسنادساواک

فرح برای گسترش دیدگاه غربی خود، در راستای برگزاری جشن‌های هنر شیراز، ادارات و دفاتر مخصوصی به راه انداخت و حدود ۶۰۰ کارمند را برای اجرای طرح‌های مورد‌نظرش به‌خدمت‌گرفت. اما صرف هزینه‌های فراوان برای برگزاری این جشن‌ها در شرایطی صورت می‌گرفت که اواخر حکومت پهلوی دوم، شهر شیراز، همچنان پر از محله‌ها و مناطق فقیرنشینی بود با کمبودهای فراوان. در همین زمینه در یکی از اسناد ساواک در آن زمان درباره این جشن‌ها آمده است: «بسیار تعجب‌آور است در شهرستانی که هنوز فاقد ضروریات اولیه زندگی از قبیل آب و برق است و مردم بسیاری در جنوب شهر در کوخ‌ها زندگی و در تابستان مبتلا به بی‌آبی هستند و… براحتیاجات ضروری واقف، این کار نفرت‌آمیز (انجام می‌شود) که خدای نخواسته ممکن است منجر به حوادثی ناگوار گردد که موجب پشیمانی هیات دولت شود. با توجه به این مطالب لازم است خواسته‌های عموم طبقات را توجه نمود و از این کار صرف‌نظر نمایند.»

خاویار در حلق مهمانان خارجی!

به‌روایت یکی از مقامات دوره پهلوی

هوشنگ نهاوندی، از مقامات دوره پهلوی، در کتاب «آخرین روزها» (پایان سلطنت و مرگ شاه)، خاطره‌ای از محمدرضا پهلوی نقل می‌کند که نشان می‌دهد او از هزینه‌های گزاف و بی‌فایده این جشن کاملاً آگاه بوده. نهاوندی می‌نویسد: «(شاه) روزی در گردشی در باغ - کاخ ارم که متعلق به دانشگاه بود و شاه در آنجا اقامت می‌کرد- به من گفت: «نمی‌فهمم این جشنواره به چه درد ما می‌خورد. هزینه‌اش گزاف است و گمان نمی‌کنم سودی داشته باشد. از هنرمندان کم‌ارزشی که کسی آن‌ها را نمی‌شناسد دعوت می‌کنند… حلق چند روزنامه‌نویس خارجی میهمان، خاویار می‌تپانند و به آن‌ها هدیه‌های گوناگون می‌دهند. آنها هم وقتی به کشورشان برمی‌گردند، به روی ما تف می‌اندازند و انتقاد می‌کنند… ولی خب، شهبانو خیلی اصرار دارد.»

شهروند: هوشنگ نهاوندی، وزیر آبادانی و مسکن، وزیر علوم، رئیس دانشگاه شیراز، رئیس دانشگاه تهران و رئیس دفتر فرح در دوران محمدرضا پهلوی بود. او کتاب «آخرین روزها» (پایان سلطنت و مرگ شاه) را در پاریس نوشت که در سال ۱۳۸۳ در لس‌آنجلس چاپ شد. این کتاب یک سال بعد با ترجمه بهروز صور اسرافیل و مریم سیحون از سوی نشر «آبی» در تهران به چاپ رسید. نهاوندی در کتابش طوری روایت می‌کند که گوئی محمدرضا شاه مخالف برگزاری جشن‌های هنر شیراز بوده اما در جایی دیگر (مقاله پرویز جاهد درباره جشن هنر شیراز) از قول فرخ غفاری می‌خوانیم: «شاه یک دفعه آمد طرف من

و گفت: استنباط شما از جشن چیست؟ گفتم: تا حالا که خیلی عالی بوده و زیر سایه اعلی حضرت امیدوارم که بقیه هم همین‌جور ادامه داشته باشد. گفت نه مجموعاً خوب شده… به حرف‌های مهمل مردم هم اهمیت ندید!»

مضحکه اروپایی و ایرانی شدیم!

روایت اسدالله‌علم

اسدالله علم، وزیر دربار و از نزدیکان شاه، یکی از مسئولین برگزارکننده این جشن بود اما جالب اینجاست در چند جای کتاب خاطراتش به هزینه‌های گزاف و کیفیت پایین این جشن‌ها اشاره کرده: «در رکاب علیاحضرت شهبانو برای خاتمه جشن هنر شیراز در قم، جشن هنر تعریفی نداشت. یک گروه فرانسوی با سازه‌های ضربی، صداهای عجیب و غریب با آلات عجیب و غریب از قبیل دیگ آشپزی وغیره در می‌آوردند که باعث مضحکه اروپایی و ایرانی شده بود.» او در جای دیگر می‌نویسد: «تمام کارهای عقب‌افتاده را عرض کردم. پیشرفت‌ها جشن‌ها را عرض کردم و گفتم از بخش خصوصی [!] شخصت میلیون تومان برای مخارج جشن تعهد گرفته‌ام که دو بیست میلیون ریال آن را پرداخته‌اند.» شهروند: اشاره ۲۰۰ میلیون ریال از سوی اسدالله علم به ۲۰ میلیون تومان بودجه اختصاصی شرکت نفت است که پیشتر آوردیم.

در منجستر هم جزأت اجرای این نمایش راندارند.

روایت سفیروقت انگلستان در ایران

آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلستان در ایران، درباره جشن‌های هنر شیراز گفته است: «چرا باید آن همه هزینه صرف نمایش هنرهای اروپایی… می‌شد؟… سال‌ها بود که جشنواره بین‌المللی شیراز [جشن هنر شیراز]، موضوع مجادله و ستیز بود، چرا که در دنیا مسلمانان… ماهیت موحش برخی از نمایش‌ها و سبک‌های به‌کار گرفته‌شده، باعث رنجش خاطر می‌شد. اجرای رقاصان برزیلی که در حال رقصیدن، سر مرغ‌های زنده را جدا می‌کردند یا ارائه نمایش عطش و تمنای شیعیان، تعزیه، به‌عنوان وسیله‌ای جهت سرگرمی و تفریح عده‌ای تماشاگر عمدتاً خارجی، دو نمونه از مثال‌هایی است که به ذهن می‌رسد. در جشن هنر سال ۱۳۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از جشن‌های پیشین فراتر رفته بود. به‌عنوان مثال برای اجرای صحنه‌هایی از نمایش را که ترتیب داده بودند، یک باب مغازه در یکی از خیابان‌های پررفت و آمد شیراز اجاره کرده و ظاهراً می‌خواستند، برنامه خود را کاملاً طبیعی در کنار خیابان اجرا کنند، صحنه نمایش نیمی از داخل مغازه و نیمی در پیاده‌رو مقابل اجرا می‌شد. یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد، تجاوزه به عنف بود که به‌طور کامل، و نه به‌طور نمایشی و وانمودسازی، به‌وسیله یک مرد (کاملاً عریان یا بدون شلوار درست به خاطر ندارم) با یک زن که پیراهنش به‌وسیله‌مرد